



Oral Memories of Iraqi Officers and Commanders

Mahboobeh Shamshegarha

Ph.D in Persian Language and Literature, Assistant Professor of National Library and Documentation Organization of the Islamic Republic of Iran

Abstract: After 2003, some research centers in America interviewed a number of high-ranking Iraqi officers and commanders, and some of their statements show facts from the Holy Defense period. In Iran also, this important event has been sporadically paid attention to during the past four decades. However, in the first half of the 1390s, two projects were approved by the Fath Narrative Foundation and the Holy Defense Information Institute to record the oral memories of former Iraqi Baath army officers and commanders. Salah Asgharpour conducted the aforementioned interviews. Understanding the importance of using the few remaining golden opportunities to record the narratives of the military leaders of the front against Iran during the holy defense period and entrusting the interviews to Salah Abdul Amir Najjar or Salah Asgarpour (known as Sheikh Salah) led to a decisive step towards recognizing and recording the historical facts of this great event. I have recorded and compiled his life memories for a long time and now I am waiting for its publication. Sheikh Salah met and talked with many former Iraqi commanders in this project for about six years and recorded about 360 hours of audio and video and brought them to Iran. The interviewer's accurate knowledge of the social, political, and military situation of this country, which is partly related to his personal and family records and another part to his professional records in managing the organization of the force, focusing on the recognition of the Iraqi army during the period of holy defense, and also his persistence and ability in creative unraveling provided a valuable source of information for the researchers of the history of Holy Defense as well as the contemporary military history of the Persian Gulf region and West Asia. These series of interviews are important because they have recorded the oral history of the other side of Iran. However, benefiting from this treasure in the second step requires a lot of effort in arranging and publishing the text of the interviews, which have remained on the ground after years. The purpose of this article is to inform and ultimately achieve this goal.

Key Words: Iran-Iraq War, Oral History, Iraqi Commanders, Operation Information.

خاطرات شفاهی افسران و فرماندهان عراقی

محبوبه شمشیرگرها

دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

چکیده

در کنار مصاحبه‌های پس از سال ۲۰۰۳م از سوی برخی مراکز پژوهشی در آمریکا با تعدادی از افسران و فرماندهان عالی‌رتبه عراق که در بخشی از اظهارات آنها واقعیت‌هایی از دوران دفاع مقدس نیز به چشم می‌آید، در ایران نیز گاه به این مهم در طول چهار دهه گذشته به طور پراکنده اعتنا شده است؛ اما در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ دو طرح از سوی بنیاد روایت فتح و مؤسسه اطلاعات دفاع مقدس برای ثبت خاطرات شفاهی افسران و فرماندهان سابق ارتش بعث عراق، تصویب و مصاحبه‌های مذکور به همت صلاح عسگرپور انجام شدند. درک اهمیت استفاده از اندک فرصت طلایی باقی‌مانده برای ثبت روایات سرآمدان نظامی جبهه مقابل ایران در دوران دفاع مقدس و سپردن مصاحبه‌ها به صلاح عبدالامیر نجار یا صلاح عسگرپور (معروف به شیخ صلاح) موجب شد گامی تعیین‌کننده در جهت شناخت و ثبت واقعیت‌های تاریخی این رویداد بزرگ رقم بخورد. شیخ صلاح که خاطرات زندگی او مدت‌هاست از سوی راقم این سطور ثبت و تدوین شده و اکنون در انتظار انتشار است، در این طرح حدود شش سال با بسیاری از فرماندهان عراقی سابق، ملاقات و گفت‌وگو کرد و حدود ۳۶۰ ساعت صوت و تصویر را با خود به ایران آورد. آگاهی‌های دقیقی مصاحبه‌کننده از اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی این کشور که بخشی از آن به سوابق شخصی و خانوادگی و بخشی دیگر به سوابق حرفه‌ای او در مدیریت ترتیب نیرو با تمرکز بر شناخت عده و غده ارتش عراق در طول دوران دفاع مقدس مربوط می‌شود و همچنین پشتکار و توانمندی او در گره‌گشایی‌های خلاقانه، منبع اطلاعاتی ارزشمندی را برای پژوهشگران تاریخ دفاع مقدس و نیز تاریخ نظامی معاصر منطقه خلیج فارس و غرب آسیا فراهم کرد. این مجموعه مصاحبه‌ها به این دلیل اهمیت دارند که تاریخ شفاهی طرف مقابل ایران را ضبط و ثبت کرده‌اند؛ هرچند بهره‌مندی از این گنجینه در گام دوم، همتی بلند در تنظیم و انتشار متن مصاحبه‌ها می‌طلبد که پس از گذشت سال‌ها همچنان بر زمین مانده است؛ هدف نوشتار پیش رو، آگاهی‌رسانی و درنهایت، رسیدن به این مقصود است.

واژه‌های کلیدی: جنگ ایران و عراق، تاریخ شفاهی، فرماندهان عراقی، اطلاعات عملیات.

مقدمه

سازمان تبلیغات اسلامی اشاره کرد که از زمان دفاع مقدس تاکنون بر مقوله ثبت روایت‌های رزمندگان جبهه مقابل ایران تأکید و اهتمام داشته است؛ اما به صورت متمرکز و یکپارچه شاید بتوان تنها از دو طرح مستندسازی روایات فرماندهان عراقی در دهه ۱۳۹۰ یاد کرد که «بنیاد روایت فتح» و «مؤسسه اطلاعات دفاع مقدس» انجام دادند و شناخت آنها موضوع نوشتار پیش رو است.

طرح‌های مصاحبه با افسران و فرماندهان عراقی

ثبت روایت‌های شفاهی افسران و فرماندهان عراقی برای نخستین بار از سوی بنیاد فرهنگی روایت فتح تصویب و اجرا شد. در ابتدای دهه ۱۳۹۰ این موضوع در جلسه‌ای با حضور مهدی همایونفر، مدیر وقت روایت فتح و نیز محمدرضا نقدی، رئیس وقت سازمان بسیج، با توجه به ضرورت مستندسازی روایات جنگ با زاویه دید فرماندهان ارتش عراق مطرح شد. پس از تصویب طرحی در این راستا، مسئولیت و اجرای آن به مجید اکبرشاهی، از فعالان و مدیران جوان فرهنگ و رسانه واگذار شد. در این طرح، مصاحبه با افسران و فرماندهان عراقی، به همت گروهی چند نفره از جمله مسئول گروه، مصاحبه‌کننده، فیلمبردار و عکاس از سال ۱۳۹۱ آغاز شد. بعد از انجام حدود ۱۲۰ مصاحبه، طرح دیگری با هدف مستندسازی روایت‌های افسران و فرماندهان عراقی با عنوان «آن سوی مرزها» در مؤسسه اطلاعات دفاع مقدس، تصویب و کلیات اجرای آن به سردار صالح اسدی واگذار شد. دستاورد این طرح که تا سال ۱۳۹۶ به طول انجامید، حدود ۶۰ مصاحبه با افسران و فرماندهان عراقی بود. این دو طرح تا حدود زیادی مشابه و مشترک و گاه در تکمیل یکدیگر به اجرا درآمد؛ زیرا تعدادی از افسران و فرماندهان، هنگام اجرای طرح دوم، در قید حیات نبودند یا خارج از عراق به سر می‌بردند. گاه نیز با افرادی در این طرح مصاحبه شد که در طرح آغاز، در عراق نبودند یا تلاش برای یافتن آنها بی‌نتیجه مانده بود.

صلاح عسگرپور، مصاحبه‌کننده

نقطه عطف و تکیه‌گاه اصلی این دو طرح، فردی است که برای انجام مصاحبه انتخاب و راهی عراق شد. صلاح عبدالامیر یا صلاح عسگرپور، مشهور به شیخ صلاح، از ابتدا تا پایان اجرای طرح‌ها، به‌عنوان مصاحبه‌کننده و نیز هماهنگ‌کننده امور مربوط به طرح‌ها به‌ویژه در عراق، با دو بنیاد روایت فتح و مؤسسه اطلاعات دفاع مقدس همکاری کرد. او از حیث پیشینه خانوادگی، رویدادهای زندگی شخصی و موقعیت حرفه‌ای، شناخت فرماندهان عراقی در دوران دفاع مقدس و اقدامات نظامی حاکمیت حزب بعث در این دوران، شخصیتی منحصر به فرد است و به همین دلیل اطلاعات گسترده‌ای او در موفقیت

فرصت مصاحبه با افسران و فرماندهان عراقی سابق ارتش عراق، اعم از بعثی و غیربعثی که در دوران دفاع مقدس حضور داشته و به نحوی در پیشبرد اهداف نظامی این ارتش تأثیر داشته‌اند، تقریباً رو به پایان است. نگاهی به سه دهه گذشته تاریخ عراق، به‌ویژه دوران پس از سقوط حاکمیت بعث در این کشور که می‌توان آن را مهلتی کوتاه برای شنیدن و ثبت روایات افسران و فرماندهان عراقی قلمداد کرد، نشان می‌دهد انبان ایرانیان در این زمینه آچنان پُر بار نیست.

گفتنی است با توجه به اهمیت شناخت روایت‌های این جنگ به‌منزله مقدمه‌ای برای گردن‌کشی‌ها و اقدامات صدام در ابتدای دهه پایانی قرن بیستم میلادی، پس از سقوط حاکمیت بعث در سال ۲۰۰۳، این موضوع نیز در مصاحبه با برخی رهبران سیاسی و افسران ارشد نظامی سابق عراق عمدتاً در «پروژه دیدگاه عراق»^۱ درخور توجه قرار گرفت. در این طرح تحقیقاتی که با مسئولیت کوین وودز^۲، تحلیل‌گر مشهور آمریکایی و گروهی از همکاران او در «مؤسسه تحلیل‌های دفاعی آمریکا»^۳ رقم خورد، با هدف شناخت تاریخ نظامی منطقه به‌ویژه عراق، در کنار دست‌یابی غریبان به مدارک محرمانه، امکان گفت‌وگو با افسران و کارشناسان سابق رژیم بعث به وجود آمد و به این ترتیب در بخشی از آن، جنگ ایران و عراق از دید عراقی‌ها بررسی شد.^۴ در ایران می‌توان به تلاش برخی فعالان تاریخ شفاهی دفاع مقدس مانند مرتضی سرهنگی^۵، پژوهشگر و مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری

^۱ طرح کامل این پروژه به تفصیل در وب‌سایت مؤسسه تحلیل‌های دفاعی با مشخصات ذیل قابل مشاهده است.

Project 1946. Kevin M. Woods (task leader), Williamson Murray Thomas Holaday with Laila Sabara and Mounir Elkhamri

^۲ Woods, Kevin M.

^۳ Institute for Defense Analyses (IDA)

^۴ برای اطلاعات بیشتر درباره این موضوع، رک. شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۹۹) جنگ ایران و عراق به روایت تحلیل‌گران غربی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی و بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، صص ۳۸، ۲۰۶، ۲۱۶.

^۵ مرتضی سرهنگی از سال ۱۳۵۸ تا پایان دفاع مقدس با روزنامه «جمهوری اسلامی» همکاری داشته و از آن زمان در دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری فعال بوده است. او علاوه بر این فعالیت‌های مدیریتی، آثار متعددی در زمینه ادبیات و تاریخ جنگ تحمیلی منتشر کرده است. به‌طور خاص او از همان دوران حضور اولین اسیران عراقی در ایران، برای ثبت خاطرات آنان تلاش کرده است که حاصل بخشی از آنها را می‌توان در ده روز محاصره در قله ویزان (خاطرات یک افسر اسیر عراقی) و اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی ملاحظه کرد که به ترتیب از سوی نشر جوان و سروش به چاپ رسیده‌اند.

ترتیب نیرو و برای شناخت فرماندهان و افسران دشمن به قصد معرفی آنها به فرماندهان ایرانی، طرحی بزرگ تعریف و اجرا کردند که تشکیل پرونده‌هایی برای شناخت همه افسران عراقی بود. آنها با استفاده از اطلاعات به دست آمده از اسرای عراقی، رسانه‌های دیداری و شنیداری و اسناد، کتاب‌ها و مطبوعات برای بیش از ۱۰ هزار افسر عراقی از درجه سرگرد به بالا پرونده‌هایی مشتمل بر آگاهی‌هایی همه‌جانبه درباره زندگی شخصی و حرفه‌ای این افراد تشکیل دادند. عمق و گستردگی این پرونده‌ها چنان بود که ویژگی‌های افسران و فرماندهان مذکور و ابعادی از شخصیت و زوایای زندگی آنها کمتر برای دیگر عراقی‌ها شناخته شده بود و همین اقدام توانست با افزودن بر شناخت فرماندهان ایرانی، آنها را در پیشبرد اهداف جنگ یاری رساند.

به این ترتیب، آشنایی شیخ صلاح با توان‌مندی‌ها، عملیات‌ها و شخصیت‌های برجسته نظامی و سیاسی ارتش عراق، در کنار شناخت همه‌جانبه او از عراق و پادگان‌های ارتش این کشور، نشان می‌دهد دعوت از او برای مصاحبه با افسران و فرماندهان عراقی در راستای اجرای این طرح هوشمندانه بوده است.

گفتنی است «ثبت و تدوین خاطرات زندگی شیخ صلاح» مشتمل بر روایات شخصی او از هر سه دوره زندگی، در قالب طرحی به سفارش بنیاد روایت فتح، از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی توسط راقم این سطور به انجام رسیده و در انتظار انتشار است.

فراز و فرودهای مصاحبه با افسران و فرماندهان عراقی

۱. شناسایی و دستیابی به مصاحبه‌شوندگان (سوژه‌های مصاحبه)

اجرای این طرح مانند طرح‌های مشابه آن، به رفع مشکلات زیادی در سطوح مختلف اجرایی نیاز داشته است؛ اما گذشته از محدودیت‌های مالی و کاستی در برخی هماهنگی‌های بیرونی، مسئله اصلی در این طرح به‌ویژه در آغاز راه، شناخت دقیق و درست مصاحبه‌شوندگانی است که دستیابی به اهداف طرح را تا جای ممکن محقق می‌کنند. به همین دلیل، بیشتر مشکلات پیش روی شیخ صلاح به همین مرحله مربوط بوده است. هرچند از مدت‌ها پیش و در پی سقوط حزب بعث، رفت و آمد او به عراق در قالب همکاری با سازمان حج و اوقاف آغاز شده بود، مسیر اجرای طرح در ابتدا چندان برای او هموار نبود. در این زمان بیش از دو دهه از پایان جنگ می‌گذشت و او با مقوله «ترتیب نیرو» و فرماندهان عراقی فاصله زیادی گرفته بود. عراق نیز تحولات چشم‌گیری را پشت سر گذاشته و در مقایسه با کشوری که سال‌ها پیش با ایران در جنگ بود، تفاوت‌های عمیق و چشم‌گیری داشت. ضمن اینکه شیخ صلاح هر چند اسم و زمینه فعالیت بسیاری از

مستندسازی خاطرات فرماندهان عراقی، نقش تعیین‌کننده داشته است. جایگاه زندگی شیخ صلاح با توجه به سه دوره زندگی او در ارتباط با عراق و اقدامات سیاسی و نظامی حاکمیت بعث این کشور از اهمیتی ویژه برخوردار است. او اصالتاً یزدی و از ایرانی‌تبارهای متولد عراق است. خاندان او بیش از ۱۵۰ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در پی مهاجرت بزرگ خاندان عسگر به این کشور و اقامت در کربلا، همواره از اهالی پرتلاش، سرشناس و خدمت‌گزار این شهر به شمار می‌آمده‌اند. نیاکان او در کربلا و دیگر شهرهای مذهبی عراق مانند نجف و کاظمین به حمام‌سازی و حمام‌داری مشغول بوده‌اند. پدر او نیز به‌جز فعالیت در این زمینه، به حرفه نجاری و اداره کارگاه و نمایشگاهی در ساخت و فروش لوازم چوبی مشغول بوده است. توجه به سرگذشت شیخ صلاح در دوره اول زندگی، مشتمل بر سابقه خانوادگی، تولد، دوران کودکی و بالندگی تا سال‌های آغازین جوانی، نشان‌دهنده آشنایی کامل او با عراق از حیث زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است؛ به‌ویژه اینکه او از پاییز ۱۳۵۵ تا تابستان ۱۳۵۸ یعنی اندکی پیش از آغاز جنگ تحمیلی در خدمت سربازی در پادگان‌های عراق بوده و به همین دلیل از نزدیک با زمینه‌های نظامی و اوضاع پادگان‌ها، سربازان، افسران و فرماندهان عراقی در مدت کوتاهی قبل از حمله این کشور به ایران آشنا بوده است. او در دهه ۱۳۵۰ در کنار برخی نوجوانان و جوانان مذهبی کربلا به فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی علیه حزب بعث حضور داشت و پس از بازداشت و زندان، همزمان با آغاز ریاست جمهوری صدام مجبور شد عراق را به سوی ایران ترک کند. در ایران پس از پیوستن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عازم خوزستان شد و مدتی در روابط عمومی سپاه این استان به فعالیت‌های فرهنگی و تهیه و انتشار نشریه «الحرس الثوری» برای عرب‌زبانان مشغول شد. با آغاز جنگ، پس از حضور و فعالیت در واحد تبلیغات جبهه و جنگ قرارگاه کربلا، با توجه به شایستگی‌های فردی و شناخت و تسلط بر مشترکات فرهنگی و زبانی عراق، به اطلاعات عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیا (ص) و واحد معروف به «ترتیب نیرو» فراخوانده شد که وظیفه اصلی آن، شناسایی دشمن با جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات به شیوه‌های گوناگون بوده است. در کنار بهره‌مندی از اسناد و مدارک، اطلاعات رسانه‌های جمعی، رصد‌های زمینی و هوایی و شنوهای مخفیانه، به‌طور خاص مصاحبه با اسیران به‌ویژه افسران و فرماندهان عراقی، یکی از اصلی‌ترین شیوه‌ها و منابع استفاده‌شده مدیریت ترتیب نیرو بوده که شیخ صلاح پس از مدتی همکاری و جانشینی، مسئولیت اداره آن را تا پایان جنگ برعهده داشته است. با توجه به تناسب موضوع، برای نمونه به یکی از اقدامات او و همکارانش از جمله سید علیرضا ساداتی فر برای شناخت افسران عراقی در این دوره می‌توان اشاره کرد. آنها در مدیریت

به این ترتیب در مرحله اول اجرای طرح، مصاحبه‌ها به افرادی محدود می‌شد که سابقه همکاری با ایران را داشتند یا از علاقه‌مندان به جمهوری اسلامی ایران و بیشتر شیعه بودند؛ درحالی‌که هدف طرح مصاحبه با فرماندهان عراقی با جهت‌گیری سیاسی مغایر با حاکمیت جمهوری اسلامی و تا جای ممکن از اعضای حزب بعث بود. پس از اظهار نارضایتی شیخ صلاح از روند پیشرفت طرح و باوجود مکاتبه سردار نقدی با افرادی نظیر هادی العامری^۸، عمار حکیم^۹ و شیخ ابوعلی مولا^{۱۰} و تقاضای همکاری از آنها، مهم‌ترین عامل پیشرفت طرح، پی‌گیری‌های جزئی و اقدامات و راه‌یابی‌های خلاقانه و هوشمندانه شیخ صلاح با استفاده از سوابق آشنایی و شناخت افراد، نهادها و سازوکارهای این کشور، به‌طور خاص ارتش و نظامیان آن بود. او با کمک گرفتن از چند راهنما از میان فرماندهان بازنشسته ارتش از استان‌ها و رسته‌های مختلف، توانست گستره پروژه را به تدریج توسعه دهد و با افسران زیادی از میان اقوام و مذاهب گوناگون و متعلق به یگان‌های متنوع رزمی به‌گفت‌وگو بنشیند که تعداد چشمگیری از آنها را اعضای سابق حزب بعث تشکیل می‌دادند. او همچنین توانست از راهنمایی و معرفی افراد دیگری نظیر علی ناصری، از اهالی اهواز و از فرماندهان شناسایی و جانشین واحد اطلاعات قرارگاه نصرت بهره‌بردار. شیخ عدنان حمید شفی، رئیس قبیله قره‌لوس، بزرگ‌ترین قبیله‌گرد عراق که از دوستان قدیمی او بود و کامل‌کنانی، مدیر شبکه «العالم» در بغداد نیز که همکاری و مراوده زیادی با ایرانی‌ها داشت، از دیگر کسانی بودند که او را در معرفی فرماندهان سابق یاری رساندند. بدین ترتیب، توفیق تدریجی شیخ صلاح در سوژه‌یابی و انجام مصاحبه‌ها به‌گونه‌ای بود که او گاه مجبور می‌شد در یک نوبت، ماه‌ها بدون استراحت و مراجعت به ایران در عراق بماند. او که در ماه‌های آغاز، چندان در یافتن سوژه‌ها موفق نبود و گاه به همین دلیل و نیز به قصد انجام پی‌گیری‌هایی از تهران ترجیح می‌داد بیشتر به ایران سفر کند، به

افسران را می‌دانست، از سرنوشت و محل کار و زندگی آنها پس از دفاع مقدس اطلاع نداشت. تعداد بسیاری از فرماندهان رده بالای ارتش عراق همچنان در قید حیات بودند؛ اما از عراق مهاجرت کرده بودند و در کشورهای نظیر اردن و آمریکا زندگی می‌کردند. شیخ صلاح در گام نخست به سراغ چند تن از فرماندهان سابق یگان‌های بدر^۶ رفت که برخی از آنها در عراق مسئولیتی رسمی در دولت‌های پس از سقوط صدام داشتند. علاوه بر مصاحبه با آنها، او به نام و نشان برخی از دیگر فرماندهان سابق دست یافت؛ برای مثال، او از کمک ارتشبد علی فکری حسن، فرمانده گردانی از تیپ ۴۸ پیاده ارتش عراق بهره‌بردار. علی فکری که در عملیات آزادسازی خرمشهر به اسارت درآمد و بعد در زمره بهترین فرماندهان یگان بدر در دفاع مقدس قرار گرفت، در پی سقوط حزب بعث به عراق بازگشت و مانند برخی افسران ارشد، در ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح مشغول و پس از مدتی بازرس کل وزارت دفاع شد. او در اجرای این طرح به شیخ صلاح کمک بسیاری کرد.^۷

^۶ یکی از اقدامات سپاه پاسداران، سازماندهی و به‌کارگیری مجاهدین و توابع عراقی در ابتدای جنگ در «تیپ ۹ بدر» بود که بعد به لشکر و سپاه توسعه یافت. هسته اولیه این یگان، در سال ۱۳۶۲ در شرق بصره شکل گرفت. در آنجا از تعدادی رزمنده مسلمان عراقی، گردانی به نام «شهید صدر» تشکیل و در پدافند پاسگاه زید به کار گرفته شد. این گردان زیر امر لشکر ۷ ولیعصر (عج) خوزستان قرار داشت. در عملیات بدر، این نیروها با عنوان گردان‌های شهید صدر در کنار لشکر ۲۵ کربلا، قرارگاه نجف ۲ را تشکیل دادند و حتی پس از عملیات مسئولیت پدافند قسمتی از هور را به عهده گرفتند. در تدابیر بعدی، ترکیب این نیروها با نیروهای قرارگاه رمضان، «تیپ بدر» را به وجود آورد و عشایر مبارز تحت امر قرارگاه نصرت نیز در چارچوب این تیپ قرار گرفتند. نیروهای این یگان دو دسته بودند. دسته نخست، مجاهدانند که از ابتدا در شکل‌گیری این تیپ نقش داشتند و شامل دو گروه افسران و فرماندهان و گروه‌های مردمی می‌شدند که به ایران پناهنده شده بودند. دسته دوم، احرار یا ثواب بودند که در طول جنگ به اسارت درآمده بودند. مسئولیت این یگان‌ها با شهید اسماعیل دقایقی بود و پس از شهادت او در عملیات کربلای ۵، سردار محمدرضا نقدی به‌عنوان فرمانده این لشکر انتخاب شد. پس از سقوط حکومت صدام، نیروهای لشکر بدر که از وفاداران به دو شهید بزرگ سید محمدباقر حکیم و سید محمدباقر صدر بودند، به عراق بازگشتند و وارد عرصه سیاسی نظامی عراق شدند و این نیرو به سازمان یا سپاه بدر ارتقا یافت. شرح تشکیل این یگان و توسعه آن در گفت‌وگو با شهید ابومهدی مهندس، معاون رئیس الحشدالشعبی در دی ۱۳۹۲، در پایگاه «باشگاه خبرنگاران جوان» موجود است؛ به آدرس: <https://www.yjc.ir>

^۷ علی فکری که پس از بازگشت به عراق بارها به ایران سفر کرده است و چندین مصاحبه نیز به‌طور مجزا با بنیاد روایت فتح انجام داده بود، در نهایت در ۵ مرداد ۱۳۹۴ از دنیا رفت.

^۸ هادی العامری، عضو پارلمان عراق، رئیس ائتلاف فتح و جانشین رئیس حشدالشعبی در عراق است که پیش‌تر فرماندهی سازمان بدر بوده و نیز وزارت حمل‌ونقل را برعهده داشته است.

^۹ سید عمار حکیم، روحانی و سیاستمدار مذهبی، رهبر جریان حکمت ملی عراق و رئیس اسبق مجلس اعلای اسلامی عراق است.

^{۱۰} شیخ ابوعلی مولا از روحانیون مبارز عراق بود که مدت زیادی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به سر می‌برد. او در زمان جنگ تحمیلی با مجاهدین عراق همگام بود و همکاری زیادی داشت. او از سوی شهید سید باقر حکیم به‌عنوان رئیس بسیج مجلس اعلا برگزیده شد. پس از بازگشت به عراق در پی سقوط حزب بعث، در مسئولیت‌های زیادی به این کشور خدمت کرد و در آخرین آنها، مسئولیت سازمان حج و زیارت عراق را برعهده داشت.

گزارش عملکرد مؤسسه را نشر دهد. مجوزهای لازم نیز از طریق این مؤسسه و گاه انجمنی متعلق به هنرمندان عراقی به نام «تَجْمَعُ فَنَانِو العَراق» با ریاست محمد اللامی، از دوستان قدیم شیخ صلاح و در موافقی از سوی شبکه تلویزیونی «الغدیر» تهیه می‌شد. به‌منظور عادی‌سازی مصاحبه‌ها، به تناسب موقعیت، یک یا دو نفر از اهالی عراق، مصاحبه‌کننده را در جلسات همراهی می‌کردند. علی‌انصاری یکی از کسانی بود که معمولاً نام او در کنار صلاح نجار، در برگه‌ها نوشته می‌شد. او از فعالان فرهنگی عراق و در اواخر عمر، مدیر تبلیغات حشدالشعبی محور مقداده در استان دیالی بود.^{۱۱}

از اقدامات لازم دیگر در این مسیر، جابه‌جایی‌های متعدد محل مصاحبه‌ها بوده است. شیخ صلاح در طول شش سالی که اجرای این طرح به طول انجامید، چندین دفتر و آپارتمان در بغداد اجاره کرد. هدف او از تعویض‌های پی‌درپی محل کار، به‌ویژه با تردهای زیاد افسران و راهنماهای متعدد به محله‌ای خاص، ناشناخته‌ماندن و جلوگیری از ایجاد شک و شبهه درباره‌ی هویت او و نوع کاری بود که انجام می‌داد. قراردادهای اجاره، به‌طور کاملاً رسمی در بنگاه‌های معاملات ملکی تنظیم می‌شد؛ اما در کنار اینکه بیشتر مصاحبه‌ها در دفتر کار او در بغداد انجام می‌شد، او در برخی مواقع بنا به ضرورت‌هایی خاص، قرارهای ملاقات را در مکان‌هایی مانند هتل، رستوران و پارک برگزار می‌کرد. گاهی شیخ صلاح خود در استان‌ها و شهرهای مختلف، مهمان فرماندهان می‌شد و حتی شب را در خانه آنها سپری می‌کرد؛ برای مثال، او با توجه به ویژگی‌های شخصیتی فردی مانند صبیح عمران طرفه، فرمانده تیپ ۶ زرهی از لشکر ۳ زرهی ارتش عراق در عملیات حصر آبادان، بدون انتظار برای حضور او در دفتر، خود به دیدار صبیح رفت؛ زیرا می‌دانست روحیات و خلیات او چنان است که هرگز در دفتر کار حاضر نمی‌شود. شیخ صلاح در همین راستا، حتی یک شب در خانه خلیل عبدالرحمن عطیه حَمَد الدوری مهمان شد که پدرش از دوستان نزدیک ماهر عبدالرشید بود.

دستاوردهای مصاحبه با افسران و فرماندهان عراقی و اهمیت آنها

ضرورت انجام این طرح‌ها از سوی دو نهاد یادشده، در کنار آگاهی‌های دقیق شیخ صلاح از اوضاع اجتماعی، سیاسی و نظامی این کشور به انجام طرح‌ها کمک بسیاری کرد؛ زیرا شیخ صلاح توانست حدود شش سال، با بسیاری از افسران و فرماندهان سابق عراق مصاحبه

مروور با افزایش مصاحبه‌شوندگان و لزوم رفت‌وآمدهای مکرر بین شهرهای مختلف عراق، کمتر می‌توانست از این کشور دور شود.

۲. ملاحظات امنیتی در مصاحبه‌ها

به دلیل وجود برخی پیش‌زمینه‌های سوء که بیشتر آنها به تبلیغات منفی عوامل آمریکایی علیه ایران در عراق، چه در زمان دفاع مقدس و چه بعد از سقوط صدام مربوط می‌شد، این طرح تقریباً به صورت محرمانه و با ملاحظات خاص انجام شد. بسیاری از عراقی‌ها، اعم از رابط‌ها، افسران و فرماندهان نمی‌دانستند فردی ایرانی با آنها به گفت‌وگو نشسته است. فقط فرماندهان بدری و تعداد کمی از افراد، از هویت شیخ صلاح مطلع بودند و دیگران خبردار نبودند که فردی ایرانی با مدارک هویتی عراقی با آنان سخن می‌گوید و چه بسا از سال‌ها قبل و در دفاع مقدس واقعیاتی از او و یگان‌ش را می‌شناخته است؛ البته گاه همراهی عواملی از مؤسسه روایت فتح، اعم از کارگردان و فیلمبردار که از حیث ظاهر، زبان و سوابق فرهنگی به اهالی عراق شباهت نداشتند، آن هم با تجهیزات مربوط به عکاسی و فیلمبرداری، از جمله محدودیت‌های انجام طرح و در برخی مواقع مایه خطر بودند که بیشتر با مدیریت شیخ صلاح برطرف می‌شد.

یکی از اقدامات او در تسهیل حفظ محرمانگی طرح، عضویت او در مؤسسه‌ای با تمرکز بر موضوع تاریخ نظامی عراق به مدیریت یکی از فعالان فرهنگی برجسته عراقی به نام صباح زنگنه از گردهای فیلی^{۱۱} است که دوران بالندگی خود را در ایران سپری کرده است. به این ترتیب، «صلاح نجار» نیز در کنار صباح زنگنه، سرتیپ شیخ عدنان، سرلشکر حسین کاظم شکرچی و سرتیپ جمال رحال در شمار اعضای این مؤسسه قرار می‌گیرد و با توجه به شهرت و محبوبیت صباح زنگنه، او توانست مصاحبه‌ها را به‌طور رسمی در قالب طرحی پژوهشی از سوی این مؤسسه دنبال کند و حتی گاهی در برخی رسانه‌های این کشور،

^{۱۱} فیلی‌ها ساکنان منطقه والیان فیلی هستند که شامل گروهی از لرها و کردها هستند. والیان فیلی یا والیان لرستان نام یک سلسله از فرمانروایان لر است که در سال ۱۰۰۶ق به دستور شاه عباس صفوی به‌عنوان والی برگزیده شدند و حدود ۳۰۰ سال حاکم لرستان و ایلام بودند. این والیان با یک سلسله روابط خاص به حکومت مرکزی ایران وابسته بودند و سالانه به میزان معینی مالیات و تعدادی تفنگچی در اختیار حکومت مرکزی قرار می‌دادند. حکومت والیان فیلی در سال ۱۳۰۷ با تصرف پشتکوه توسط نیروهای دولتی از بین رفت. آخرین والی پشتکوه به نام غلامرضا خان به عراق گریخت و حکومت والیان فیلی به پایان رسید. کردهای فیلی در ایران، بیشتر در ایلام و عراق، جنوب شرقی کردستان عراق و مناطق بغداد، استان دیاله، بدره، زرباطیه، جاسن، کوت، عزیزیه، زهیرات، بعقوبه ساکن‌اند.

^{۱۲} علی‌انصاری در ۴ بهمن ۱۳۹۳ هنگامی که برای تهیه عکس و فیلم به منطقه جنگی رفته بود، توسط نیروهای داعش به شهادت رسید.

فرماندهان نیروی هوایی، سوءاستفاده غیراخلاقی برخی افسران و فرماندهان از سربازان، فساد برخی فرماندهان عالی‌رتبه نظیر سرلشکر فاضل براك، اعدام برخی فرماندهان پس از دست دادن خرمشهر و فاو و حتی پس از دفاع مقدس، نظیر سرهنگ برهان، سرهنگ نجات شکری، سپهبد عصمت صابر عمر، سپهبد بارق عبدالله الحاج حنطه و سپهبد کامل ساجت عزیز و همچنین، نجات ارتشبد نزار خزرچی از اعدام و اطلاعاتی دیگر از زندگی و ویژگی‌های فرماندهانی نظیر مشکوک یالچین عمر عادل، سرهنگ خلیل دوری، سپهبد عبدالامیر عیسی صباح گرعاوی، سپهبد هشام صباح فخری، ماهر عبدالرشید و ارتشبد سلطان‌هاشم احمد.

نتیجه

به دنبال اجرای دو طرح پژوهشی در راستای ثبت و تدوین خاطرات شفاهی افسران و فرماندهان عراقی در نیمه اول دهه ۱۳۹۰، دستاوردی مشتمل بر ۳۶۰ ساعت صوت و تصویر روایت‌های آنان به‌عنوان یکی از منابع اطلاعاتی در شناخت جنگ ایران و عراق، بلکه بخشی از تاریخ نظامی معاصر در منطقه خلیج فارس و غرب آسیا به دست آمده است که در شناخت ابعاد مختلف تاریخ جنگ به پژوهشگران کمک می‌کند. با وجود این، تا امروز هیچ کتاب یا اثری در این زمینه و با توجه به مصاحبه‌ها عرضه نشده است؛ درحالی که برای بهره‌مندی از اطلاعات این مصاحبه‌ها لازم است هر چه زودتر امکان دسترسی به آنها برای پژوهشگران فراهم شود؛ اما بی‌تردید هیچ کس در هدایت و نظارت این امر مهم، به‌ویژه در رفع افتادگی‌های احتمالی و شرح مطالب، شایسته‌تر از شیخ صلاح نیست و لازم است دست‌اندرکاران تا زمانی که نعمت وجود و سلامت او پابرجا است، این امر را محقق کنند.

منابع

- سرهنگی مرتضی (۱۳۶۳) **اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی**. مصاحبه‌گر مرتضی سرهنگی. تهران: سروش.
- سرهنگی مرتضی (۱۳۶۹) **۵۵ روز محاصره در قله ویزان (خاطرات یک افسر اسیر عراقی)**. به کوشش مرتضی سرهنگی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: نشر جوان.
- شمشیرگرها محبوبه (۱۳۹۹) **جنگ ایران و عراق به روایت تحلیل گران عربی**. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی و بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- مصاحبه. (مصاحبه‌گر: محبوبه شمشیرگرها) صلاح عسگرپور □

کند و حدود ۳۶۰ ساعت صوت و تصویر را با خود به ایران آورد. در طرح بنیاد روایت فتح، ۱۲۰ مصاحبه، هرکدام به‌طور متوسط در دو ساعت انجام شد؛ هرچند در خصوص افرادی که اهمیت روایات آنها بیشتر تشخیص داده شد، طول مصاحبه‌ها به چند جلسه افزایش یافته است. با احتساب حدود ۶۰ مصاحبه مؤسسه دفاع مقدس، در مجموع، ۱۸۰ مصاحبه به‌طور میانگین دو ساعته، با ضبط صوت و تصویری دستاورد این طرح‌ها بوده است.

با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده، اهمیت روایت‌ها و اطلاعات در مصاحبه با فرماندهان عراقی، در کشف واقعیت‌های جنگ از منظر طرف مقابل ایران، چنان است که از این پس، تصور انجام هر پژوهشی در زمینه شناخت روایت عراقی‌ها از جنگ عراق و ایران، بدون مراجعه به این خاطرات ناقص است. در این مصاحبه‌ها واقعیت‌هایی از فرماندهان و ارتش بعث عراق را در چند بخش یا گستره موضوعی می‌توان ملاحظه کرد:

در نگاه اول، روایت فرماندهان عراقی حاوی اطلاعات چشمگیری دربارهٔ تشکیلات و ویژگی‌های ارتش بعث عراق در دفاع مقدس است. مهم‌ترین محورهای موضوعی در این زمینه عبارت‌اند از مدت سربازی، سربازان احتیاط، تعداد و استعداد یگان‌ها و نحوه افزایش و گسترش آنها، تربیت درجه‌دارها و افسران، دوره‌های رفاق، دوره‌های معایشه، گردان‌های زندانیان خطرناک، یگان‌های متشکل از سربازان ایرانی‌الاصل و گردان‌های اهوازی، گردان‌های خفیفه، جیش‌الشعبی، ترکمان‌ها در ارتش عراق، تقویت یگان‌های ارتش از سوی کشورهای عربی، توانمندی تجهیزات مهندسی ارتش عراق، توان مهندسی ارتش عراق، همکاری سازمان مجاهدین خلق با ارتش عراق، نیروی هوایی ارتش عراق، ساختار محکم امنیتی در یگان‌ها، تقویت توان استخبارات، ضعف‌های استخباراتی عراق، تشکیلات گارد ریاست جمهوری، یگان‌های کماندویی ارتش عراق و ضعف ارتش عراق در کوهستان.

در کنار اطلاعات مربوط به بخش اول، اظهارات و خاطرات فرماندهان عراقی، حاوی واقعیت‌هایی دربارهٔ صدام و اعضای خانواده، فرزندان و فامیل او هستند؛ مانند روایت‌هایی دربارهٔ اصالت شخص و خانواده صدام حسین، خطر اسارت او در عملیات فتح‌المبین، ترور ناموفق او و کشتار مردم دجیل، رفتار دوگانه صدام با تکریتی‌ها و نیز نقش فامیل و اعضای خانواده از جمله فرزندان او در دوران دفاع مقدس و پس از آن.

بخش دیگر به واقعیت‌هایی دربارهٔ کارشناسان و تحلیل‌گران جنگ، فرماندهان عالی‌رتبه عراق و سایر افسران و فرماندهان مربوط می‌شود که موضوع بسیاری از روایات فرماندهان است؛ مانند بازنشستگی اجباری صدها فرمانده ارتش عراق، فساد خلبانان و

آذر ۱۳۹۷ تا اردیبهشت ۱۳۹۹ تهران.

-Kevin M. Woods (2007) *Project 1946, by Kevin M. Woods, Williamson Murray*, Thomas Holaday, Laila Sabara, Mounir Elkhamri. Virginia: Institute for defense analyses alexandria va.

